



یه دسته گل

● زهرا زرگر
● تصویرگر: میثم موسوی



بازیگران: قصه گو، سارا، دانش آموزان کلاس، معلم
قصه گو: امروز روز معلم است. بچه های کلاس برای معلم هدیه آورده اند. بیشتر
 بچه ها به جز...

سارا (وارد کلاس می شود): سلام بچه ها! چه بوی خوبی! این همه گل برای چیه؟
دانش آموزان: برای روز معلم!



سارا: ای وای! من که برای خانم چیزی نیاوردم! حالا چی کار کنم؟
(دانش آموز ۱ با دسته گلش به سمت سارا می رود) **سارا:** خوش به حالت! چه گل های قشنگی! تو می دونی با چندتا گل می شه یه دسته گل درست کرد؟
دانش آموز ۱: آن قدر که وقتی بگیری جلوی صورتت، از پشتش چشم هایت معلوم نشوند! (دسته گل را جلوی صورتش می گیرد و بعد یک گل از دسته گلش بیرون می آورد) اگه از دسته گلم یه گل کم بشه، باز هم چشمام پشتشون قایم می شن!

سارا: چه گل خوش بویی! چه دوست مهربونی!
(دانش آموز ۲ به سمت سارا می رود) **سارا:** خوش به حالت! چه دسته گل قشنگی! تو می دونی با چندتا گل می شه یه دسته گل درست کرد؟
دانش آموز ۲: آن قدر که ساقه هاشون توی مشتت جا نشن! (گل ها را توی مشتش می گیرد و بعد یک گل از دسته گلش بیرون می آورد) اگه از دسته گلم یه شاخه کم بشه، باز هم دسته گل دارم! باز هم ساقه هاشون توی مشتت جا نمی شن!

سارا: چه گل خوش رنگی! چه دوست مهربونی!
قصه گو: بچه های کلاس یکی یکی آمدند پیش سارا. با سارا گل گفتند و گل شنیدند و هر کدام یک شاخه گل به او دادند.

(بچه ها یکی یکی پیش سارا می آیند و هر کدام شاخه ای گل به او می دهند)
سارا: ممنون بچه ها! شما بهترین دوست های دنیا هستید! حالا من هم برای خانم معلّم گل دارم!

معلّم (وارد کلاس می شود): سلام بچه ها، صبحتون به خیر!
بچه ها (همه با هم دسته گل ها را بالا می گیرند): سلام خانم معلّم! روزتون مبارک!
خانم معلّم: وای بچه ها، چه گل های قشنگی! ممنون! (معلّم بچه ها را بغل می کند و گل ها را از آنها می گیرد)

قصه گو: اما قشنگ ترین گل دنیا خود شما بچه هایید که این قدر خوب و مهربانید!